

حرکات فاشیستی ایران

بار اول نیست که دولت آخندی ایران در برابر مهاجرین افغان ممنوعیت ها و روش خشونت آمیز را در پیش می گیرند.

مسئولین دولت ایران چندی پیش اعلان نمودند که افغان ها به ۱۹ شهر ایران سفر کرده نمی توانند و همچنان ورود آنها به پارکی در شهر اصفهان منع قرار داده شد. این حرکات همه روش های فاشیستی بوده که به دوره فاشیستی آلمان هیتلری بسیار شباهت دارد. فاشیست های زمان هیتلر از چنین سیاستی در برابر یهودی ها کار می گرفتند.

ایرانی ها همیشه مدعی استند که با ما افغان ها برادر هم تبار آریائی، هم دین و حتی همزبان هستند، اما در عین حال در برابر افغان ها چنین روش های استثنائی و غیر انسانی و دور از همه ارزش های حقوق بشری را روی دست می گیرند.

در قسمت پوهنتون هائیکه ایرانی ها تحصیل افغان ها را در آنها منع قرار داده اند، که گویا در آنجا مسائل اتومی تدریس می شود، در این قسمت نیز من عمل ایرانی ها را توجیه پذیر نمی دانم. زیرا اسرار اتومی که امروز ایرانی ها بدست دارند، همه می دانند که "پدر اتوم" پاکستان عبدالقدیر خان این اسرار را به ایران و لیبیا داده بود. یعنی خود ایرانی ها مخترع این اسرار نیستند و می دانند که افغانستان چنین تحقیقاتی را روی دست ندارد و ضرورت هم ندارد که این اسرار را بدست بیاورد و از آن استفاده نماید.

تمام این حرکات در واقعیت پس از آن شدت پیدا کرد که افغانستان توافقنامه همکاری های دوامدار ستراتیژیک را با اضلاع متحده آمریکا به امضاء رسانید و مخصوصاً که ولسی جرگه و مشرانو جرگه هر دو آنرا تصدیق و تأیید کردند. ایرانی ها در مقابل روش خشن تری گرفتند و حتی شنیده شد که آنها با پاکستانی ها روی یک سلسله توافقاتی صحبت های داشته اند.

بنظر میرسد که ایرانی ها فشار را بالای حکومت افغانستان شدت خواهند بخشید و حتی به اخراج مهاجرین ما در موقع حساس زمستان (این پیش بینی من است) اقدام خواهند کرد.

لیکن من تعجب می کنم که حکومت افغانستان طی ده سال در قسمت جابجا ساختن مهاجرین افغان در داخل کشور اقدامی نکرده. لازم است تا حکومت اقداماتی را روی دست بگیرد. بطور مثال اگر کار اعمار بند "کمال خان" را حکومت افغانستان (من خودم در آنجا کار کرده ام) شروع نماید من باور دارم که این پروژه به سهولت می تواند آباد شود، در آنجا هزاران جریب زمین وجود دارد که میتوان به همین مهاجرین توزیع کرد (بطور مثال شش جریب به هر فامیل)، آنها بدینترتیب مشغول زراعت خواهند شد، از رفتن ایشان به ایران نیز ممانعت صورت بگیرد، افزون بر آن این اقدام برای حفاظت سرحدات ما نیز ممد واقع می شود.

ایرانی ها معیارها و هدایات را که در کنوانسیون های حقوق بشر تسجیل یافته اند به رسمیت نمی شناسند و عملی نمی کنند.

مهاجرین افغان که در قلمرو ایران به سر می برند قربانی های بی شماری به نفع ایران داده اند. بطور مثال در جنگ ایران و عراق بسیاری از جوانان افغان از طرف ایرانی ها به جبهات سوق داده شدند، در حالیکه در این جبهات مین کاشته شده بود و بسیاری از آنها قربانی این مین ها گردیدند. اینهمه را نباید نادیده گرفت.

از جانب دیگر مهاجرین افغان در ایران کارهای دشوار و شاقه را انجام می دهند که خود ایرانی ها راضی نیستند این نوع کارها را بکنند. افغانها برای زراعت و صنعت ایران خدمات فراوانی نموده اند. ایرانی ها نمی خواهند که این نیروی ارزان ما را از دست بدهند و از خاک شان کشیده شوند، چون به خدمات افغان ها شدیداً ضرورت دارند. حرکات حکومت ایران یک عمل سیاسی بوده و اداره آخندی این کشور آنرا علیه حکومت افغانستان روی دست گرفته و با تأسف که حکومت افغانستان در این زمینه عکس العملی از خود نشان نمی دهد و مخصوصاً برای جابجا ساختن اتباع خود کاری نمی کند.

حکومت ایران حقوق بشر و منشور ملل متحد را تمکین نمی کند، به خواسته های افغانستان هیچگونه وقعی نگذاشته جواب مثبت نمی دهد، چون می بیند که افغانستان هنوز از دیدگاه نظامی - سیاسی و اقتصادی در یک موضع با قدرت قرار ندارد.

دپاڼو شمېره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاین تاسو په درنښت همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادښت: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولی

اگر کشور ما با قدرت می بود صادرات ایران را که همین اکنون بالغ به میلیون ها دالر گردیده است و باعث سقوط صنایع نو بنیاد هموطنان ما در ولایت هرات گردیده منع قرار می داد یا تکس های بلندی در برابر آنها وضع می کرد تا آنها هم متضرر می گردیدند.

من فکر می کنم که اگر اراده سیاسی برای مقابله در حکومت ما بوجود بیاید، می تواند تدابیری را روی دست بگیرد. لافاقل اگر امروز نتواند، تدابیر اتخاذ شده یک سال بعد می توانند عملی شوند.

جای تأسف است که صدای حکومت افغانستان در برابر نقض حقوق افغانها در ایران بلند نمی شود. حکومت افغانستان در این قسمت باید تدابیری خود را بگیرد. بمجرد آنکه حکومت ایران درک کند که حالا افغانستان برای مقابله بلمثل آماده شده دیگر هرگز مرتکب چنین اعمالی نشده و خودش خود را اداره می کند.

دول ایران و پاکستان از حضور نظامی - سیاسی امریکا در افغانستان راضی نیستند. به دلیل آنکه ساحه برای مداخلات آنها ضیق می شود. اینکار مانع نفوذ ایران گردیده و پاکستانی ها هم عمق سترانیژیک خود را بدست نمی آورند، بناءً هر دو کشور فعلاً فشار را بالای حکومت افغانستان بیشتر ساخته اند، چنانچه رسانه ها خبر دادند که در ولایت کنر خطر حمله طالبان به کمک و تقویة توپخانه و عساکر پاکستان صورت خواهد گرفت، و از این بابت نگرانی هایی بوجود آمده است.

مگر حالا که افغانستان توافقنامه همکاری های دوامدار سترانیژیک را با امریکا به امضاء رسانده، وظیفه امریکا است تا تماشاجی نبوده و نگذارد که بالای افغانستان از کدام سوی تجاوز صورت بگیرد.

منبع: د لمر تلویزیون